

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Discourse Study of the Formation of Haft Awrang (Seven thrones) Ebrahim
Mirza Safavi by Norman Fairclough's Discourse Analysis Approach
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بررسی وجوه شکل‌گیری مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا صفوی با رویکرد تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف*

سمانه نقیه^{۱*}، حجت امانی^۲

۱. مدرس گروه نقاشی، دانشکده هنر و معماری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
۲. استادیار گروه نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹

چکیده

بیان مسئله: نگارگری از منابع غنی هنر ایران و تمدن اسلامی است و دوره صفویه جزء درخشان‌ترین دوره در هنر اسلامی به شمار می‌رود. مطالعه آثار این دوره به دلیل بازشناسی پیشینه فرهنگ و هویت ایرانی و تأثیراتشان بر هنر اسلامی ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا، معروف به جامی فریر، آخرین نسخه مصور ممتاز با معیارهای سلطنتی بوده که به سفارش و حمایت سلطان ابراهیم میرزا در دوره صفویه تولید شده است. این مرقع در دوره شاه تهماسب، همزمان با تغییرات سیاسی و اجتماعی و محدودیت‌های حمایتی از هنر و هنرمندان، خلق شده است. به نظر می‌رسد این اثر در فضایی نسبتاً آزاد و مستقل از تحولات و ایدئولوژی حاکم بر زمان خود شکل گرفته است.

هدف پژوهش: این پژوهش با رویکردی تاریخی و گفتمانی، در چارچوب نظری نورمن فرکلاف، به بررسی بافت زمینه‌ای و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا می‌پردازد. روش تحلیل گفتمان در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برای واکاوی این اثر به کار گرفته شده است. از نظر هدف، این پژوهش در دسته تحقیقات توسعه‌ای قرار می‌گیرد.

روش پژوهش: این پژوهش از نظر ماهیت، توصیفی-تاریخی-تحلیلی است. و بر پایه بررسی‌های تاریخی و اطلاعات به‌دست‌آمده از بسترهای اجتماعی و سیاسی زمان شکل‌گیری مرقع ابراهیم میرزا انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها کیفی است.

نتیجه‌گیری: با بررسی تاریخی بافت زمینه‌ای عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری این مرقع در چهارچوب نظری نورمن فرکلاف نشان می‌دهد که ابراهیم میرزا، به دلیل موقعیت سیاسی، روابط سلطنتی و جهان‌بینی متفاوت خود، نقشی محوری در خلق این اثر داشته است. همچنین، تغییرات سیاسی و مذهبی ایجاد شده در قدرت حاکم صفویه بر موضوع، تصاویر و مضامین مرقع تأثیر گذاشته و سبب ایجاد اثری هنری با ویژگی‌های متفاوت نسبت به سایر آثار هم دوره‌اش شده است.

واژگان کلیدی: مرقع هفت اورنگ، ابراهیم میرزا، صفویه، تحلیل گفتمان، نورمن فرکلاف، مرقع نگاری.

مقدمه

و بررسی میزان و نحوه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن‌ها بر جامعه‌ای که در آن شکل گرفته‌اند، مطالعات جامعه‌شناسی هنر ضروری است. امروزه، روش‌های تحلیل جدید، این امکان را فراهم می‌کنند که آثار برجسته هنری، علاوه بر

نگارگری از منابع غنی هنر ایران است و نگاره‌های ایرانی، بازتاب‌دهنده ویژگی‌های هنری، انسانی و اجتماعی زمینه تولید خود هستند. برای درک ساختار درونی آثار هنری

۱۴۰۳ در دانشکده هنر مؤسسه آموزش عالی سپهر معاصر اصفهان به انجام رسیده است.
* نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۳۰۲۱۹۷۲، s.naghieh@gmail.com

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «سمانه نقیه» با عنوان «بررسی وجوه شکل‌گیری مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا صفوی با رویکرد تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف» است که به راهنمایی دکتر «حجت امانی» در سال

شد، بلکه بر شرایط هنرمندان این دوره تأثیر گذاشت. شاهان و شاهزادگان صفوی برای هنر و هنرمندان اهمیت و جایگاه در خور توجهی قائل بودند، ولی این حمایت‌ها با ثبات نبود و بسته به قدرت و میزان توجه شاه در دوره‌های مختلف، تغییر می‌کرد. نقش حامیان هنر در این دوره، در گسترده و ارتقای کیفیت نقاشی ایران تأثیر سرنوشت‌سازی داشت. نقطه عطف تاریخ نقاشی ایران را شاه اسماعیل اول با انتقال هنرمندان هرات به خصوص بهزاد به تبریز ایجاد کرده است (آژند، ۱۳۸۷، ۳۶۷). از میان خاندان سلطنتی، اشخاصی همچون شاه تهماسب، سام میرزا، بهرام میرزا و شاهزاده ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا از مهم‌ترین حامیان هنر این دوره بودند. ارتباط بسیاری از این افراد با دربار هنرمندپرور هرات، در کنار استعداد و علاقه شخصی آنان، موجب شکوفایی بی‌نظیر هنر در عصر صفوی شد (سوچک، ۱۳۸۶، ۳۳)، در نتیجه، آثار ارزشمندی همچون شاهنامه تهماسبی، خمسه نظامی و مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا در این دوران مصور شدند.

• مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا

مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا یکی از نسخه‌های خطی برجسته دوره صفوی و از شاهکارهای مکتب نگارگری مشهد است. این اثر به سفارش ابراهیم میرزا بین سال‌های ۹۶۳ تا ۹۷۲ هجری قمری کتابت و مصورسازی شد و شامل ۲۸ نگاره بدون رقم و تاریخ است. در حال حاضر، این مرقع در مجموعه هنر اسلامی گالری فریر واشنگتن دی‌سی نگهداری می‌شود و به جامی فریر نیز شهرت دارد (آژند، ۱۳۹۴، ۱۶۳). این مرقع، زیباترین نسخه مصور موجود از منظومه هفت اورنگ مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی، عارف، شاعر، ادیب، صوفی و پیرو فرقه نقشبندیه در قرن نهم هجری قمری است. که برجسته‌ترین اندیشه‌های تعلیمی او در این منظومه منعکس کرده است. کتابت جامی فریر طی ۹ سال و توسط پنج کاتب برجسته، به نام‌های شاه محمود نیشابوری، رستم علی (خواهرزاده بهزاد)، محب‌علی (فرزند رستم علی)، مالک دیلمی و سلطان محمد خندان، انجام شد. ظاهراً پس از کتابت آن، تذهیب و نگارگری آن انجام شده است. از جمله هنرمندانی که در مصورسازی و تذهیب این مرقع نقش داشتند، به آقا میرک، مظفرعلی، میرزا علی، عبدالله مذهب شیرازی، علی‌اصغر کاشانی و شیخ محمد اشاره کرد (آژند، ۱۳۹۴، ۱۴۷).

• ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا (۹۴۷-۹۸۵ ه. ق)

از شاهزادگان صفوی و فرزند بهرام میرزا برادرنتی شاه تهماسب و از جمله شخصیت‌های برجسته عرصه فرهنگ و هنر عصر صفوی است که دارای جایگاهی والا نزد شاه تهماسب داشت. و در سن ۱۶ سالگی به حکومت مشهد

ارزش‌های فنی و کیفیت هنری، بازتاب‌دهنده فرهنگ و بینش جامعه خود باشند. شناخت آثار نگارگری ایران، خصوصاً دوره صفویه، به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنر ایران و تمدن اسلامی، حائز اهمیت است. دوره صفویه شاهد تغییرات سیاسی، مذهبی و اقتصادی قابل توجهی بود و در عین حال، با حمایت شاهان و شاهزادگان دربار صفوی، حیات هنری پررونقی را تجربه کرد. پادشاهان صفوی با آگاهی از قدرت تأثیرگذاری هنر، به حمایت از هنر می‌پرداختند. باین‌حال، این حمایت، به دلیل تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوره، وضعیتی روشن و یکدست نداشت. پس از روی‌گردانی شاه تهماسب از هنر و ایجاد محدودیت‌های گسترده برای هنر و هنرمند، شاهزاده سلطان ابراهیم میرزا، یکی از شاهزادگان صفوی و از چهره‌های درخشان هنری در حمایت و پاسداشت از هنر این دوره تلاش بسیاری کرد. مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا در کتابخانه او و در مکتب مشهد خلق شد و از نظر سبک و نحوه مصورسازی، در مقایسه با آثار هم‌دوره خود، خلاقانه و نوآورانه است. با توجه به اینکه هنر نگارگری نشان‌دهنده لایه‌های داخلی فرهنگی زمان خود است و بررسی از دیدگاه جامعه‌شناسانه، وجهه اثبات‌گرایانه‌تری نسبت به تحقیقات صرفاً تاریخی دارد، این پژوهش زمینه‌ساز آشنایی با قابلیت‌های بررسی آثار مصور در جهت شناسایی شرایط اجتماعی و سیاسی در مقطعی خاص از تاریخ ایران است. در دیدگاه جامعه‌شناسی هنر، رویدادهای هنری ریشه در ارزش‌های اجتماعی و تحولات جامعه دارند. این حوزه با پذیرش این اصل که اثر هنری در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه محصولی اجتماعی است، به تحلیل عمیق‌تر این آثار می‌پردازد. بنابراین، برای درک ابعاد مختلف آثار هنری و نحوه شکل‌گیری آن‌ها، رویکردی میان‌رشته‌ای ضروری است که بتواند تحلیل متن و تحلیل اجتماعی را به‌طور هم‌زمان دربرگیرد.

مبانی نظری

• نگارگری و حمایت از هنر در دوره صفویه

سلسله صفوی یکی از تأثیرگذارترین حکومت‌ها بر هنر اسلامی - ایرانی است. صفویان به نقاشی بسیار اهمیت می‌دادند و در نتیجه، هنر نقاشی در این دوره دارای ظرافت و نوآوری خاصی شد که البته به‌شدت از هنر دوره‌های پیشین، به‌ویژه تیموریان، تأثیر پذیرفت. ایران در دوره صفویه دستخوش تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عظیمی شد و شاهان صفوی همیشه سعی داشته‌اند تا میان گروه‌های مختلف سیاسی کشور توازن برقرار کنند. این امر نه‌تنها موجب پیچیدگی مناسبات میان مردم و حکومت

«معناکاوی نقش مایه درخت کهنسال در نگاره خون دماغ شدن اسکندر و آساییدن او از هفت اورنگ جامی» (Rahmati & Zakariaee Kermani, 2022) با رویکرد نشانه‌شناسی، به تحلیل متن و تصویر و بررسی مفاهیم ضمنی درخت کهنسال در این نگاره پرداخته است. پژوهش «بررسی تطبیقی پارادایم در نگاره‌های هفت اورنگ فریر و شاهنامه شاه تهماسبی و تحلیل آن بر اساس نظریه بازتاب» (Hashemi, 2023) تفاوت‌های نحوه عملکرد قاب در نگاره‌های هفت اورنگ با شاهنامه تهماسبی می‌پردازد که تحلیل جامع شناختی این تغییر براساس نظریه بازتاب است. پژوهش «تحلیل فرآیند کتاب‌آرائی نسخه هفت اورنگ جامی محفوظ در مجموعه فریر، معروف به جامی فریر» (Safarian & Changiz, 2020) به مطالعه و بررسی فرآیند کتاب‌آرائی این نسخه خطی پرداخته است. در پژوهش «واکاوی فولکور مادی رنگ در بستر فرهنگ عصر صفوی» (Farrokhfar & Taher, 2021) کاربرد رنگ را در بستر فرهنگ ایرانی در نگاره‌های هفت اورنگ جامی تحلیل کرده است. پژوهش «واکاوی در رابطه نظام ادراکی هنرمندان و عوامل اجتماعی دوره اول عصر صفوی» (Afarin, 2019) به تحلیل عوامل جامعه‌شناختی که در نظم ادراکی هنرمندان این اثر مؤثر واقع شده، پرداخته و قراردادهای هنری، تصورات تاریخی صفویان از طبیعت و سلیقه ابراهیم میرزا و رقابت‌های داخلی و خارجی را به‌عنوان نتایج این تغییر بیان کرده است. پژوهش «تحلیل ساختاری نگاره‌های هفت اورنگ جامی در کارستان هنری سلطان ابراهیم میرزا» (Aziminezhad et al., 2017) به تحلیل فرم، ساختار و ترکیب بندی نگاره‌های هفت اورنگ جامی با توجه به ویژگی‌های سبک مشهد پرداخته است. کتاب «مکتب نگارگری تبریز و مشهد-قزوین» (آژند، ۱۳۹۴) به بررسی مکتب مشهد، و پیشینه تاریخی ابراهیم میرزا و هنرمندان مرقع هفت اورنگ فریر پرداخته است. کتاب «شعر و نقاشی ایرانی، حمایت از هنر ایران» (سیمپسون، ۱۳۸۲) نگاره‌های بیست و هشت گانه مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا را از نظر مضمون و محتوا شرح داده و در مورد هر نگاره توضیحات مختصری ارائه کرده است.

با بررسی منابع و پژوهش‌های انجام شده، مشخص می‌شود که برخی مطالعات به ویژگی‌های کلی و برخی دیگر به بررسی ابعاد خاصی از آن پرداخته‌اند. با این حال، تاکنون پژوهشی که با رویکرد تحلیل گفتمان، به‌ویژه بر اساس نظریه نورمن فرکلاف، به بررسی چگونگی پیدایش و شکل‌گیری مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا بپردازد، انجام نشده است. از این‌رو، این پژوهش تلاش خواهد کرد با استفاده از این رویکرد، به واکاوی این نسخه ارزشمند بپردازد.

منصوب شد و ایجاد مرقع هفت اورنگ جامی فریر در کتابخانه سلطنتی وی، نمایانگر تلاش و اشتیاقش در حمایت از هنر و هنرمندان بوده است. مکتب مشهد که از مکاتب نگارگری عصر صفوی و به‌عنوان دوره گذار نگارگری ایرانی از شیوه کلاسیک به شیوه جدید است، تحت حمایت ابراهیم میرزا در خراسان شکوفا شد.

• تحلیل گفتمان و نظریه تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف
تحلیل گفتمان مجموعه‌ای از رویکردهای میان رشته‌ای است. که می‌توان از آن‌ها در انواع گوناگون مطالعه‌ها و برای کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی استفاده کرد (Jorgensen & Phillips, 2021, 17). تحلیل میان رشته‌ای می‌تواند ضمن توصیف متن یا وضعیت، تفسیر و تبیین و تحلیل آن را با توجه به همه روابط و ارتباطات موجود و ممکن انجام دهد (بشیر، ۱۳۹۹، ۲۰). نظریه نورمن فرکلاف از مشهورترین نظریات حوزه گفتمان است که ضمن بیان رابطه میان ملاک‌های درونی و برونی متن، قدرت حاکم جامعه‌ای را که اثر در آن شکل گرفته است، واکاوی می‌کند و شیوه وی متن محور است. او متن، تعامل و بافت اجتماعی را به‌عنوان سه عنصر گفتمان مشخص می‌کند و همچنین، برای تحلیل گفتمان به روش خود، سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین را پیشنهاد می‌کند (فرکلاف، ۱۳۹۰، ۱۱۷). مرحله توصیف، توجه به مضامین و روابط و هویت‌های ظاهری متن است. مرحله تفسیر به تحلیل فرایندهای شناختی شرکت‌کنندگان و تعامل‌های میان آن‌ها می‌پردازد و تعامل بین متن و بافت روشن می‌شود. متن‌ها براساس پیش فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم، که بخشی از دانش زمینه‌ای هستند و به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند تولید و تفسیر می‌شوند (Fairclough, 1989, 140). مرحله تبیین، به فرایندهای تولید و تفسیر گفتمان دلالت دارد. در این سطح، متن به مثابه بخشی از فرایند فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود و متن با توجه به زمینه و بستر اجتماعی تحلیل می‌شود. از ویژگی‌های فرکلاف طراحی الگوی سه لایه‌ای برای تحلیل گفتمان است که سه سطح را شامل می‌شود:

- متن (سخنرانی، نوشتار، اشکال بصری یا ترکیبی از این موارد).
- کنش گفتمانی که در برگرفته تولید و مصرف متون است. کنش اجتماعی (Jorgensen & Phillips, 2021, 120).

پیشینه پژوهش

در مورد نسخه هفت اورنگ ابراهیم میرزا، تحقیقات متعددی از منظر بررسی تاریخی، ساختار فرمی و محتوایی نگاره‌ها انجام شده است. پژوهشی با عنوان

روش پژوهش

نظر به اینکه هنر نگارگری بازتاب‌دهنده لایه‌های درونی فرهنگی زمان خود است، مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا مجموعه‌ای از تصاویر نگارگری شده و متون ادبی است که گفتمان‌های اجتماعی و فرهنگی زمان خود را منعکس می‌کند. لذا، این پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی هنر و مطالعات بین رشته‌ای تحلیل گفتمان قرار می‌گیرد و با رویکردی تاریخی-گفتمانی، تحلیل متن و تحلیل اجتماعی را با یکدیگر تلفیق می‌کند. این پژوهش، با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان و نظریه نورمن فرکلاف، به بررسی چگونگی پیدایش و شکل‌گیری مرقع هفت اورنگ جامی می‌پردازد. از نظر هدف، این پژوهش توسعه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی-تاریخی-تحلیلی محسوب می‌شود. براساس روش نورمن فرکلاف، پژوهش در سه سطح زیر انجام می‌شود. ابتدا به توصیف ویژگی‌های کلی متن مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا پرداخته و سپس در سطح تفسیر، فرایندهای تولید کننده متن و رویدادها در آن بررسی می‌شود و با بررسی تاریخی و تفسیر اطلاعات به دست آمده، در سطح تبیین به چگونگی وجوه شکل‌گیری اثر براساس گفتمان حاکم در سطح جامعه پرداخته می‌شود. این پژوهش متکی بر بررسی تاریخی و تحلیل داده‌های حاصل از بسترهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمان شکل‌گیری مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا است. به همین دلیل، این نسخه به عنوان سندی برای بررسی و تبیین وجوه شکل‌گیری آن در نظر گرفته شده و روش تجزیه و تحلیل پژوهش، کیفی است.

زندگی ابراهیم میرزا

سلطان ابراهیم میرزا صفوی از شاهزادگان خوش‌ذوق و فرهیخته دوره صفوی بود. او تا سن ده‌سالگی نزد پدر زندگی کرد و بعد از فوت پدرش تحت حمایت و سرپرستی عمه خود، مهین بانو، ملقب به شاهزاده سلطانم خانم (خواهر تنی شاه تهماسب و بهرام میرزا) قرار گرفت. شاه تهماسب، چون در مدتی که ابراهیم میرزا در دربارش تربیت و آموزش می‌دید، هیچ‌گونه اقدام و حرکتی که بیانگر قدرت‌طلبی وی باشد از او ندید، حکومت مشهد را که از کرسی‌های مهم ایالت خراسان بود، به وی داد (حسین قمی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۳۸۱) و به دلیل احترام فراوانی که برای او قائل بود یکی از دختران خود به نام شاهزاده گوهر بیگم را به ازدواج وی در آورد.

ابراهیم میرزا در سال‌های نوجوانی در تبریز، از همنشینی با هنرمندان دربار بهره‌مند شد. شاه تهماسب، در دهه‌های نخستین سلطنتش، علاقه خاصی به تعلیم و تربیت و تشویق وی داشت (سیمپسون، ۱۳۸۲، ۱۶). اما در دوره دوم سلطنت شاه تهماسب، تحولی در خلق و خوی شاه به عنوان

حامی اصلی هنر به وجود آمد و به زهد و تعصب روی آورد، که موجب بی‌میلی وی به هنر شد. در سال ۹۶۳ ه.ق، شاه با صدور فرمان «تائیین بری از گناه»، هر نوع هنر غیر روحانی را در سراسر قلمرو خود ممنوع اعلام کرد (کنبای، ۱۳۸۹، ۸۵). این گرایش افراطی موجب غلبه مضامین مذهبی شیعی در هنر این دوره شد و نسخه‌های فالنامه نیز در همین زمان سفارش داده شدند. همچنین شاه تهماسب به خاطر ایجاد موازنه قدرت، حمایت خود را به سمت روحانیت برد که منجر به کم‌شدن حمایت مالی از قشرهای مختلف جامعه، از جمله هنرمندان شد. تمام این دلایل باعث شد که شماری از هنرمندان، به دنبال هنرپرور و حامی بخشنده و سعادت و آینده بهتری، ایران را ترک کردند و عده‌ای عازم هندوستان و دربار گورکانی هند و عده‌ای به سوی دربار ابراهیم میرزا رفتند و در کتابخانه او به کار پرداختند که در نتیجه مرکز آفرینش هنری جدید تأسیس شد (آزند، ۱۳۹۴، ۲۴). کری ولش در این مورد می‌نویسد: «شاه تهماسب با وجود تعصب شدیدی که داشت، شیفته‌ی برادرزاده خود ابراهیم میرزا بود و سایر هنرمندان دربار را به خدمت وی فرستاد، اما در امور کتابخانه او دخالت نمی‌کرد. باین‌حال، احساساتش نسبت به ابراهیم میرزا گاهی دچار فراز و نشیب شدید می‌شد. زمانی که حال خوبی داشت، لذاذی را که از خود دریغ داشته بود، غیرمستقیم از طریق ابراهیم میرزا تجربه می‌کرد، اما هنگامی که دل و دماغ نداشت، همان اندک را از خود دریغ می‌کرد» (Welch, 2005, 25). در نهایت، وی در اشاره‌ای به عزل ابراهیم میرزا از حکومت مشهد این‌گونه می‌نویسد که: «ابراهیم میرزا بر خلاف عمویش روحی آزاد داشت و معصومانه از هنر و موسیقی لذت می‌برد و گاه نیز به شکل احمقانه‌ای بی‌تدبیری می‌کرد، مثل زمانی که به خاطر پناه دادن به نوازنده‌ای که از خشم شاه گریخته بود، با توجه به خوی استبدادی شاه، به غضب وی گرفتار شد و در سال ۹۷۳ ه.ق، از حکومت مشهد عزل و از بهره‌گیری از نقاشان و خوش‌نویسان سلطنتی محروم و از مشهد به سبزوار تبعید شد» (همان). باین‌حال، شاه تهماسب در اواخر عمر خود، در سال ۹۸۲ ه.ق بار دیگر به ابراهیم میرزا توجه کرد و ضمن دعوت او به قزوین، او را به سمت ایشیک آقاسی‌باشی دیوان عالی منصوب کرد. لذا، مطابق این سمت، تا فوت شاه همه کارهای دربار به او واگذار شد (حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۵۶۷-۵۸۸).

جهان‌بینی ابراهیم میرزا و انتخاب هفت اورنگ جامی

شاهزاده ابراهیم میرزا دوران کودکی و نوجوانی خود را تحت تعلیم و تربیت هنرمندان بزرگ دربار شاه تهماسب گذراند. این آموزش‌ها موجب شکل‌گیری شخصیتی

است. این اصل بر رسیدگی به مسائل مردم در کنار سلوک معنوی تأکید دارد. لذا، مبنای این طریقت، ارتباط با حیات اجتماعی جامعه و سازش با مردم است. و جامی سالک راستین را کسی می‌داند که با مصاحبت و ارتباط با حاکمان، آن‌ها را به تأمین منافع مردم راهنمایی کند و حق آن‌ها را مطالبه کند (احرار، ۱۳۸۰، ۱۷۰).

لذا، اشعار جامی نیز به موضوعاتی چون اصالت افکار انسان گرایانه، عشق به انسان، علم و عدالت می‌پردازد. و نسبت به ظلم و ستم حکمرانان و تعصب و ریای مشایخ دروغین اعتراض می‌کند. همچنین، جامی از غارت‌ها و خونریزی‌های مغولان به اسم دین با خبر بود و چون از عملکرد سلطان حسین، حاکم زمان خودش در خصوص آرامش و رفاه نسبی جامعه رضایت کامل داشت، اجرای عدالت و حمایت از خلق در برابر ظالمان را شرط اساسی برای پادشاهی می‌دانست. باتوجه به خصوصیات ذکر شده از ابراهیم میرزا و جامی، می‌توان اینگونه تفسیر کرد که سلطان ابراهیم میرزا باتوجه به شناخت تاریخی به دلیل نزدیک بودن موقعیت جغرافیایی مشهد به هرات، با دوران زندگی و جهان‌بینی جامی آشنایی کامل داشته و با او هم عقیده بوده است. و منظومه هفت اورنگ که برترین اندیشه‌های تعلیمی جامی در آن جای گرفته است را برای مصور کردن منظومه هفت اورنگ جامی، دلایل وی برای مصور کردن منظومه هفت اورنگ جامی، ناراضیتی وی از دوران دوم حکومت عموی خود، شاه تهماسب، بوده است. زیرا شاه تهماسب بعد از سی سالگی به جهت حفظ حاکمیت خود در بین ساختار قدرت تغییراتی ایجاد کرد و برای تحکیم قدرت خود در امور مذهبی و سیاسی اقداماتی از جمله شکست از بکان و بیرون راندن آن‌ها از خراسان و شرق، دور کردن عثمانیان با «پیمان صلح آماسیا» از غرب و حمایت از روحانیون برای موازنه قدرت انجام داد. که این تحولات باعث کم شدن حمایت وی از نظر اخلاقی و مالی از قشرهای مختلف جامعه از جمله هنر و هنرمندان شد. همچنین، وی به دلیل تعصبات مذهبی، تمام ثروت و توجه خود را به اقداماتی در جهت ترویج شیعه که پدرش شاه اسماعیل آن را در ابتدای حکومت صفویان دین رسمی کشور اعلام کرده بود معطوف می‌کند. لذا، ابراهیم میرزا این اثر را به عنوان بیانیه‌ای اجتماعی در اعتراض به گفتمان حاکم آن زمان برای رسیدگی و مدارا با مردم مصور کرده است.

از نگاهی دیگر جامی مسلمان و اشعارش دارای محتوای عرفانی و اخلاقی بود و با مفاهیم مشترک دینی همچون عدالت، تقوا و سلوک معنوی هماهنگی داشت. همچنین، تشیع صفوی بر فرهنگ ایرانی- ترکی استوار بود به همین دلیل ابراهیم میرزا به عنوان یک شاهزاده صفوی در راستای

هنردوست و خلاق در او شد. وی با علاقه شخصی به شعر و نقاشی، در حوزه‌های نقد شعر، فنون بلاغت، صناعات ادبی، و ارتباط تصوف و عشق سرآمد دوران خود بود (سیمپسون، ۱۳۸۲، ۱۶). وی در حمایت از هنر، از سنت صفویان پیروی می‌کرد. اما برخلاف پدربزرگ و عمویش، روحیه‌ای آزاد و به دور از تعصب داشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات هنری او ایجاد مرقع هفت اورنگ جامی بود. این انتخاب نشان‌دهنده علاقه او به جامی است، زیرا برخلاف نگرش منفی جدّ خود شاه اسماعیل نسبت به جامی، تحت تأثیر چنین القائاتی قرار نگرفت و دستور مصور سازی آن را صادر کرد. طبق اسناد تاریخی، صفویان بیست‌سال بعد از مرگ جامی به حکومت رسیدند. و باتوجه به تعصبات مذهبی آن‌ها، جامی که از بزرگان فرقه نقشبندیه بود به عنوان فردی بداعتقاد و فردی خام‌نظر تلقی شد. شاه اسماعیل قصد داشت مقبره او را بسوزاند، اما موفق نشد (افضح زاده، ۱۳۷۸، ۱۳۸ و ۱۳۹). زرین کوب در کتاب ارزش میراث صوفیه می‌نویسد: «قبل از روی کار آمدن سلسله صفویه، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مهم فکری در عصر تیموریان و تا اواسط حکومت صفویان، گرایش جدی به تصوف بوده است» (زرین کوب، ۱۳۶۲، ۶۲). اما در دوران حکومت شاه تهماسب، با نفوذ علمای تشیع از لبنان و بحرین در دستگاه حکومتی و همچنین، درگیری‌های شاه تهماسب با کشورهای همسایه و خرده‌گیری‌های علمای تشیع به وی برای عدم حضور در محافل صوفیان، شاه در حضور محافل صوفیان دوری جست (Binyon et al., 2017). از سوی دیگر دوره صفویه، دوره تعامل اسلام مردمی و تصوف و تشیع بوده است و ریشه در طریقت صوفیانه شیخ صفی الدین اردبیلی دارد. لذا، می‌توان استنباط کرد ابراهیم میرزا که یک شاهزاده صفوی و بزرگ شده در این بستر است، قریب به یقین علاقه به طریقت صوفیانه داشته لذا، علاقه‌ای به قدرت طلبی و کشورگشایی نداشته است. همچنین از ثروت و قدرت خود برای ترویج فرهنگ و کمک به مردم و رفاه جامعه استفاده می‌کرده است. زیرا در دوران حکومت خود با همه مردم نشست و برخاست و به مشکلات آنها رسیدگی می‌کرده است (افواشته‌ای نظری و اشراقی، ۱۳۷۳، ۳۷).

جامی نیز از ادیبان و شاعران نامدار قرن نهم هجری و روزگار وی از ادوار باشکوه تمدن ایرانی بوده است. و بزرگانی چون میرعلی شیر نوایی و بهزاد از هم عصران وی می‌باشند. جامی نیز در شکوفایی زندگی فرهنگی و ادبی عصر خود دارای سهم بسزایی بوده و سرمایه خود را صرف کمک به نیازمندان و تأمین رفاه مردم و نشر فرهنگ می‌کرده است (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۲۸۸). یکی از اصول مهم در طریقت نقشبندیه که جامی نیز به آن پایبند بود، خلوت در انجمن



تصویر ۱. نگاره ورود عزیز و زلیخا به پایتخت مصر، ۹۶۳-۹۷۲ ه.ق. مأخذ: سیمپسون، ۱۳۸۲، ۳۸.



تصویر ۲. نگاره حضرت یوسف و برپایی جشن باشکوه عروسی، ۹۶۳-۹۷۲ ه.ق، منسوب به شیخ محمد، مأخذ: سیمپسون، ۱۳۸۲، ۴۹.

مقاصد حکومت صفوی هفت اورنگ را انتخاب می‌کند تا تلاشی برای نمایش مشروعیت مذهبی و سیاسی حکومت صفویه و نمادی از توجه به فرهنگ ایرانی و اسلامی برای تقویت فرهنگی کشور در آن دوره باشد.

مضامین هفت اورنگ ابراهیم میرزا

از نظر بررسی مضامین مرقع، نگاره‌های موجود در هفت اورنگ ابراهیم میرزا شامل صحنه‌های داستانی و تمثیلی است که هر کدام بازتاب‌دهنده ایدئولوژی‌های خاصی هستند. در نگاره‌های مذهبی و عرفانی، برخی از تصاویر به تمثیل‌های عرفانی مانند عشق الهی و فنا در راه خدا در اشعار جامی اشاره دارند، زیرا جامی به‌عنوان یک مسلمان صوفی از داستان‌های قرآن برای پیام خود استفاده کرده است. و در منظومه هفت اورنگ که مشحون از قصه‌ها و تمثیلات است به بیان اسرار و رموز شریعت و طریقت پرداخته است (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۲۳۹). با توجه به اینکه دوره صفویه با تأکید بر آموزه‌های مذهبی تشیع شناخته می‌شود و حاکمان صفوی همواره در تلاش بودند تا فرهنگ و هنر را در راستای تقویت مذهب شیعه و ارزش‌های اسلامی هدایت کنند، انتخاب این نگاره‌ها می‌تواند بخشی از تلاش حاکمان صفوی از جمله ابراهیم میرزا برای ترویج این ارزش‌ها باشد.

با بررسی نوع مجالس نگاره‌ها، گستردگی موضوعات در این نسخه مشاهده می‌شود، تا جایی که اولین نگاره‌های این مرقع که همزمان با به حکومت رسیدن ابراهیم میرزا و ازدواج وی با دختر شاه تهماسب بوده است، پر از مضامین جشن و شادی و عشق بوده و نگاره‌های پایانی پر از تشویش و هیجان و با داستان مرگ اسکندر که نشان از مرگ و زاری است، به پایان می‌رسد. که می‌تواند اشاره به عزل ابراهیم میرزا از حکومت مشهد و در نتیجه، بسته شدن کتابخانه وی برای ایجاد نسخه‌های جدید باشد. با اینکه هیچ نشانه‌ای از همزمانی حکمرانی ابراهیم میرزا و ازدواج وی وجود ندارد ولی مجالس متعددی از جمله ورود عزیز و زلیخا به مصر (تصویر ۱) و حضرت یوسف و برپایی جشن باشکوه عروسی (تصویر ۲) را با پیوند زناشویی وی می‌توان مرتبط دانست. همچنین، انتخاب این داستان‌ها می‌تواند بازتابی از اهمیت وفاداری و عشق در ازدواج‌های سلطنتی و راهی برای نشان دادن شکوه و جلال آن‌ها باشد. لذا، تأثیر تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایجاد شده در زمان تولید مرقع در نگاره‌ها از لحاظ انتخاب مضمون و نگاه هنرمند کاملاً مشخص است.

ویژگی‌های بصری مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا
بیشتر هنرمندانی که در مصورسازی هفت اورنگ نقش



تصویر ۳. نگاره مجنون و رفتن اوسوی اترافگاه کاروان لیلی، ۹۶۳-۹۷۲ ه. ق. منسوب به شیخ محمد، مأخذ: سیمپسون، ۱۳۸۲، ۷۳

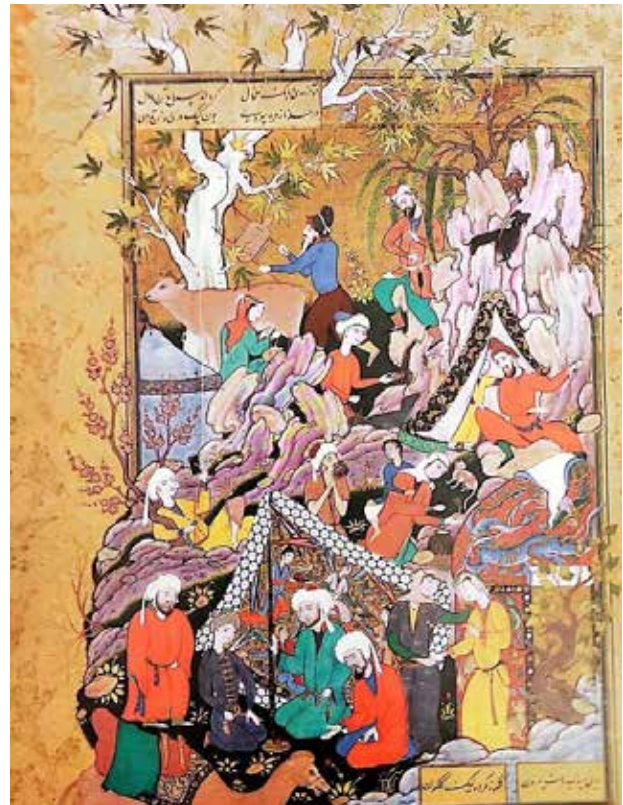
اجتماعی در محیط‌های شهری و روستایی و کاخ‌ها پرداخته شده است (تصویر ۴).

در ابداع، صحنه‌ها و لحظه‌ها و اشیاء خاص هم نمونه‌های تازه کم نیست، مانند درخت شعله‌ور در نگاره خون دماغ شدن اسکندر و آسائیدن او (تصویر ۵) و درخت عجیب نگاره مجنون در پوست بز و نظاره لیلی (تصویر ۶). تصویر صحنه‌های زندگی روزمره و افراد عادی که بهزاد در مکتب هرات آغاز کرده بود و در مکتب تبریز حضوری بسیار کم رنگ داشت مجدداً در مکتب مشهد استفاده شده است. که باتوجه به شرایط اجتماعی و سیاسی این زمان، می‌توان نتیجه گرفت که اهمیت دادن به ترسیم افراد عادی و صحنه‌های فرعی در نگاره‌های هفت اورنگ ابراهیم میرزا، به‌عنوان واکنشی اعتراضی به ظلم و بی‌عدالتی شاه تهماسب، در امتیاز دادن به گروه‌های خاص بوده است. و این اثر به‌صورت بیانیه‌ای اجتماعی برای جلب توجه حکومت به زندگی مردم، به تصویرگری زندگی روزمره مردم عادی پرداخته است. در نگاره‌های هفت اورنگ تنوع تصویری رنگارنگ، و شمایل‌گونه پایه و اساس نگاره است و ویژگی‌های بصری نگاره‌ها نشان‌دهنده آزادی عمل نگارگران این مرقع، تحت نظارت حامی جدید خود یعنی شاهزاده ابراهیم میرزا است.

داشتند، از نقاشان دست دوم کارگاه سلطنتی شاه تهماسب بودند. پس از افول مکتب تبریز و تغییرات سیاسی حکومت تهماسب، این هنرمندان به دعوت ابراهیم میرزا به کتابخانه سلطنتی مشهد پیوستند و در شکل‌گیری مکتب مشهد نقش مهمی ایفا کردند. به همین دلیل، میان نگاره‌های خمسۀ نظامی و هفت اورنگ جامی شباهت‌هایی مشاهده می‌شود. باین‌حال، ولی باین‌حال، هفت اورنگ دارای نوآوری‌های ترکیب‌بندی و بصری نیز هست که آن را به اثری منحصره‌فرد تبدیل کرده است. در بررسی نگاره‌های مشهد، ترکیب‌بندی‌های شگفت‌انگیز و تازه‌ای وجود دارد که در ترکیب‌بندی نگاره‌های نیمه اول قرن دهم ایران دیده نمی‌شود. از جمله تقسیم صحنه به تکه‌های هندسی کاملاً مجزایی که به‌صورت سایبان و خیمه‌های جداکننده ظاهر می‌شوند. و فیگورهای انسانی و جانوران از لابه‌لای آن‌ها به چشم می‌خورند. اکثر قاب‌ها در این مجموعه شکسته بوده و تناسب و سازماندهی ترکیب‌بندی متحول شده است. این عدم وجود کادر و ترکیب‌بندی‌های مارپیچی باعث بروز سیالیت در ترکیب‌بندی و پویایی در کنش‌های انسانی در تصاویر می‌شود. رنگ‌آمیزی خاص کل نگاره‌های نسخه هفت اورنگ سلیقه و خلاقیت شگفت‌انگیز هنرمندان ایرانی را به نمایش می‌گذارد. بیشتر شدن تحرک و جنب و جوش در ترکیب‌بندی و رنگ در دوره صفوی نشانه تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌خاطر اعتقادات و روح سیاسی -مذهبی حاکم بر دوره شاه تهماسب است. شیلا کنبی در کتاب «نقاشی ایرانی» در مورد مکتب مشهد می‌نویسد: در نگاره‌های این دوره اندازه سرها نسبت به اندام کوچک‌تر شده و چهره‌ها کشیده‌تر از فرم بیضی سنتی خارج شده‌اند. تاج حیدری (کلاه دوازده ترک قزلباشی) که نشانه هویت صفوی بود، جای خود را به دستارهای کوچک‌تر داده است (کنبی، ۱۳۷۸، ۸۷). مناظر طبیعی در تصاویر این مرقع به عنوان مهم‌ترین عناصر بصری با جزییات زیادی نقاشی شده‌اند که می‌توان صخره‌های لغزنده و ریتم موج آن‌ها را به رویکردهای عاطفی و صمیمی دربار ابراهیم میرزا ارتباط داد. از ویژگی‌های این مرقع، ترسیم بناهای معماری با دقت بالا و جزییات کامل و در ترکیب با عوامل طبیعی و معماری نمونه‌های زیبایی از هماهنگی بین مناظر طبیعی و معماری را نشان می‌دهد. سیمپسون از ویژگی‌های فراگیر در جامی فریر، به تمرکزهای گوناگون در نگاره‌ها و سطح والای عامل انسانی به‌گونه‌ای که گاه شخصیت‌ها را به آسانی نمی‌توان تشخیص داد، اشاره می‌کند (تصویر ۳) (سیمپسون، ۱۳۸۲، ۱۱). در مرقع هفت اورنگ در کنار نشان دادن زندگی و فعالیت طبقات مختلف، برخلاف نگاره‌های نسخه‌های قبلی خود، به ترسیم آزادانه زنان و کودکان اشراف و سایر طبقات



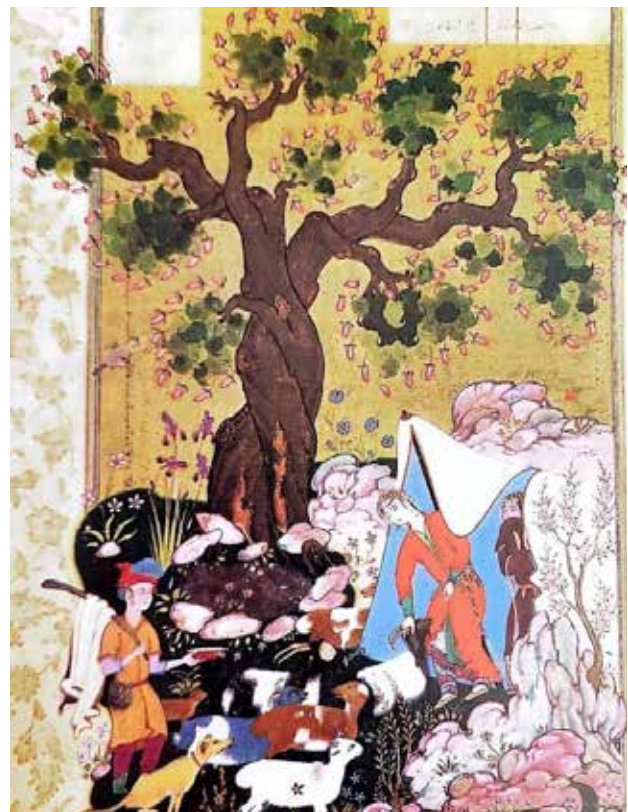
تصویر ۵. نگاره خون دماغ شدن اسکندر و آسانیدن او، ۹۷۲-۹۶۳ ه. ق، منسوب به شیخ محمد، مأخذ: سیمپسون، ۱۳۸۲، ۸۱



تصویر ۴. نگاره قیس و نخستین نگاه به لیلی، ۹۶۳-۹۷۲ ه. ق، منسوب به مظفر علی، مأخذ: سیمپسون، ۱۳۸۲، ۷۱

دلایل نوآوری‌های هفت اورنگ ابراهیم میرزا

در شرایط جامعه دوره تهماسب، و نیز جو حاکم بر کتابخانه تبریز، اجازه نوآوری و خلاقیت فردی به هنرمندان جوان و جوانی نام چندان فراهم نبود. این محدودیت از یک سو به دلیل حضور هنرمندان طراز اولی همچون بهزاد، سلطان محمد بود، و از سوی دیگر، ناشی از دخالت‌های سلیقه شخصی شاه تهماسب، که خود از کودکی، نزد استادان بزرگ در نقاشی و خوش‌نویسی آموزش دیده و مهارت یافته بود (منشی قزوینی و بهرام‌نژاد، ۱۳۷۹، ۱۴۴). با بررسی ساختار و مضامین تصاویر نگاره‌های هفت اورنگ جامی، آزادی عمل نگارگران دربار مشهود در مقایسه با دربار شاه تهماسب به‌وضوح آشکار است. اسناد تاریخی دلیل این آزادی عمل را، تفاوت شخصیتی ابراهیم میرزا و شاه تهماسب و ذوق هنری و منطقی و تفکر نوجوی حاکم بر کتابخانه مشهود و در نتیجه فضای شاد و پر نشاط و بدون سخت‌گیری کتابخانه وی و دور شدن نگارگران جوان از دربار قانونمند و متعصب تهماسب است (صادقی بیک، ۱۳۲۷، ۲۵۵). عامل دیگر، ارتباط هنرمندان با همسایگان شرقی و غربی و تأثیر گرفتن از جریان‌های هنری آن‌ها است. زیرا نیمه دوم قرن دهم هجری هم‌زمان با تغییرات قرن شانزدهم در اروپا و شکل‌گیری جریان رنسانس بود و هنرمندان ایرانی به دلیل رفت و آمد نقاشان غربی به دربار صفوی، با نقاشی



تصویر ۶. نگاره مجنون در پوست بز و نظاره لیلی، ۹۷۲-۹۶۳ ه. ق، مأخذ: سیمپسون، ۱۳۸۲، ۷۴

نشان داد. و هنرمندان جوان و خلاق توانستند بطور آزادانه براساس ادراک هنری خود و شرایط دربار ابراهیم میرزا دست به خلق تصاویر نو و جدید بزنند که بهترین خروجی آن، ایجاد مرقع جامی فریر به‌عنوان یک اثر هنری متفاوت و شاهکار و البته معاصر، برای رقابت با دیگر نسخه‌های خطی ایجاد شده در دوره صفویه بود.

موقعیت سیاسی ابراهیم میرزا به‌عنوان حاکم مشهد که موجب توانایی تأمین منابع مالی و امکانات لازم برای ایجاد این پروژه هنری بزرگ بوده است. و همچنین، نزدیکی خانوادگی با شاه تهماسب و شناخت و اعتماد او نسبت به ابراهیم میرزا با وجود تعصبات مذهبی‌اش، در امور کتابخانه وی دخالت نمی‌کرده است.

اهمیت همزمانی ایجاد مرقع با ازدواج ابراهیم میرزا با دختر شاه تهماسب که ممکن است انتخاب داستان‌های عاشقانه یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون به قصد بازتابی از جشن‌های ازدواج و روابط عاشقانه درباری باشد.

علاقه وافر ابراهیم میرزا به جهان بینی و مضامین اشعار جامی، زیرا ابراهیم میرزا مانند بسیاری از شاهزادگان و نخبگان صفوی تحت تأثیر عرفان اسلامی و تصوف ایرانی بود و مضامین عرفانی هفت اورنگ جامی با جهان‌بینی عرفانی وی هماهنگ بود. شاید ابراهیم میرزا از طریق این مرقع، قصد در ترویج فرهنگ اسلامی - ایرانی داشته است. که بازتاب‌دهنده سیاست صفویان در تثبیت هویت فرهنگی ایرانی - شیعی بوده است. همچنین وی با توجه به کاهش رسیدگی و توجه تهماسب به مردم، با به تصویر کشیدن اندیشه‌ها، تعلیمات اخلاقی و عقاید سیاسی جامی نسبت به حاکمان، از طریق این اثر نوعی اعتراض به حکمرانی و کشورداری زمان خود کرده است.

ساختار اجتماعی و طبقاتی و فرهنگی دوره صفویه که بر درک هنری و زیبایی‌شناسی هنرمندان و در نتیجه ساختار و مضامین تصاویر مرقع مؤثر بوده است.

عدم تعارض منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

فهرست منابع

- احرار، عبیدالله. (۱۳۸۰). *احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار ۸۰۶ تا ۸۹۵ ق* (تصحیح عارف نوشاهی). مرکز نشر دانشگاهی.
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). *مکتب نگارگری هرات*. مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- آژند، یعقوب. (۱۳۹۴). *مکتب نگارگری تبریز و «فروین - مشهد»*. مؤسسه تألیف و ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- افصح‌زاده، اعلاخان، (۱۳۷۸). *نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی*. مرکز مطالعات ایران، دفتر نشر میراث مکتوب.
- افواشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله، و اشراقی، احسان (۱۳۷۳).

غرب آشنایی پیدا کردند. و این امر، تغییراتی در نقاشی ایران ایجاد کرد. از نکات قابل توجه در این اثر هنری، عدم تطابق کامل متن شعر جامی با تصویر است. که نگارگران این اثر، در بعضی از نگاره‌ها حتی از نظر محتوا هم آزادانه برخورد کرده‌اند. به‌عنوان مثال در نگاره «آمدن مجنون به نزدیک کاروان لیلی» (تصویر ۳) که منسوب به شیخ محمد و یکی از متفاوت‌ترین نگاره‌های نسخه هفت اورنگ جامی است نیز این برداشت می‌شود، که هنرمند به جای به تصویر کشیدن یک نگاره روایی، بیشتر دنبال خلق نوعی تصویر خاص و پر زحمت بوده است.

در کل، تغییرات اجتماعی و سیاسی حکومت شاه تهماسب و تمایل ابراهیم میرزا و هنرمندان کتابخانه وی برای خلق اثری هویت‌دار و متفاوت با آنچه در کتابخانه‌های حامیان قبل از شاه اسماعیل و شاه تهماسب وجود داشته است، موجب شکل‌گیری خلاقانه و متفاوت این اثر هنری شده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با استفاده از تاریخ‌پژوهی در بافت تولید مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا در دوران دوم حکومت شاه تهماسب، و بر پایه روش تحلیل نورمن فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، متن از نظر موضوع، مضامین و ویژگی‌های بصری توصیف شده است. و همزمان افراد، فرایندها، رویدادهای تولیدکننده متن تفسیر شدند و چگونگی شکل‌گیری براساس گفتمان حاکم در سطح جامعه و تعامل میان متن و ساختارهای اجتماعی تبیین شد. براساس این تحلیل، وجوه شکل‌گیری مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا عبارتند از:

زمینه تاریخی صفویه و وجود فرهنگ و سنت هنرپروری در دربار به‌عنوان حامی هنر و ارتباط پادشاهان و شاهزادگان با هنرهای تصویری و همچنین، آگاهی آن‌ها از نیروی هنر در تحکیم قدرت حاکم و در نتیجه استفاده از هنر به‌عنوان یک ابزار اصلی برای تقویت و مشروعیت بخشی به قدرت که ابراهیم میرزا نیز به‌عنوان شاهزاده صفوی با حمایت از این پروژه، قدرت و نفوذ فرهنگی و سیاسی خود و حکومت صفویه را تحکیم و بازتاب داده است.

رویکردانی شاه تهماسب از هنر به‌دلیل تغییرات ایجاد شده در خلق و خوی وی و همچنین تغییرات ایجاد شده در ساختار سیاسی و مذهبی صفویه و کوچ هنرمندان از دربار وی که باعث شد ابراهیم میرزا به دلیل شخصیت فرهنگی و ارتباط نزدیک با شاه و جایگاه والا در ساختار قدرت صفوی، سنت حمایت از هنر نگارگری را ادامه دهد.

وجود شخص ابراهیم میرزا به‌عنوان محور اصلی تولید مرقع، که با توجه به شخصیت فرهیخته و هنرمندش با ایجاد کتابخانه‌ای مجهز و دارای محیط شاد و به دور از سختگیری‌های متعصبانه، حمایت عملی خود را به‌عنوان حامی هنر از نگارگری ایرانی

- S., & Taghvanejad, B. (2017). Structural Analysis of Jami's Haft Awrang Figures in Sultan Ibrahim Mirza Art Workplace. *Islamic Art Studies*, 13(27), 1-28. 20.1001.1.1735708.1396.13.27.1.1
- Binyon, L., Wilkonson, J.V.S., Gray, B. (2017). *Persian Miniature Painting* (M. Iranmansh, Trans.). Amirkabir. (Original work published 1971)
 - Fairclough, N. (1989). *Language and power*. routledge
 - Fattokhfar, F., & Taher, Z. (2021). Analysis of material folklore of the color in Safavid culture Case Study: Mashhad book designing school in Safavid Period, the paintings of Ibrahim Mirza's Haft Awrang Manuscript. *Sociology of Art and Literature*, 12(2), 173-198. 10.22059/jsal.2021.81065
 - Hashemi, G. (2023). A Comparative Study of the Frame Paradigm in Freers Haft Awrang miniatures and Shahnameh of shah tahmasb, and Its Analysis Based on Reflection Theory. *Khorasan Art Journal*, 1(1), 15-32. 10.22034/daraygah.2021.132637
 - Jorgensen, M., Phillips, L. (2016). *Discourse analysis as theory and method* (H. Jalili, Trans.). Ney. (Original work published 2002)
 - Rahmati, M., & Zakariaee Kermani, I. (2022). The semiotics of the old tree's motif in the image of Alexander's Nose and his relief in Haft Awrang Jami. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 27(3), 27-37. 20.1001.1.22286039.1401.27.3.3.2
 - Safarian, Z., & Changiz, S. (2020). Analysis the process of book arts in the Haft Awrang Manuscript (Freer Jami) in Freer gallery. *Ferdows Art*, 1(2), 62-81. 10.30508/fhja.2020.128613.1010
 - Welch, S.C (2005). *Persian painting: five royal Safavid manuscripts of the sixteenth century* (A. Taqa, Trans.). Farhangestan-e Honar. (Original work published 1976)
 - نقاوه الاشارفی، ذکر الاخبار در تاریخ صفویه. علمی فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی).
 - بشیر، حسن. (۱۳۹۹). روش عملیاتی تحلیل گفتمان. انتشارات سروش
 - منشی قزوینی، بوداق و بهرام‌نژاد، محسن. (۱۳۷۹). جواهر الاخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ ه.ق. میراث مکتوب.
 - حسینی قمی، قاضی احمدبن شرف‌الدین. (۱۳۸۳). خلاقه التواریخ (مصحح احسان اشراقی). ج ۱ و ۲، چ ۲. دانشگاه تهران.
 - زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۲). ارزش میراث صوفیه. امیرکبیر.
 - زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹). با کاروان حله: مجموعه نقد ادبی. انتشارات علمی.
 - سوچک، پرسیلا. (۱۳۸۶). خوشنویسی در اوایل عصر صفوی (ترجمه ولی‌الله کاووسی). گلستان هنر، ۱۰، ۲۴-۳۹.
 - سیمپسون، ماریاناشرو، (۱۳۸۲). شعر و نقاشی ایرانی، حمایت از هنر در ایران: شاهکارهایی از هنر نقاشی قرن دهم ه.ق. (ترجمه عبدالعلی براتی و فرزاد بیاتی). نسیم دانش.
 - صادقی بیگ افشار، صادق. (۱۳۲۷). تذکره مجمع‌الخواص (ترجمه عبدالرسول خیامپور). تبریز.
 - فرکلاف، نورمن، (۱۳۹۰). تحلیل انتقادی گفتمان (محمدجواد غلامرضا کاشی و همکاران). دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها (مطالعات و توسعه رسانه‌ها).
 - کنبی، شیلدا. (۱۳۷۸). نگارگری ایرانی (مترجم مهدی حسینی). دانشگاه هنر.
 - Afarin, F. (2019). Investigation in The Relationship between The Perception System of Artists and Social Factors in The First Period of Safavid Era. *Journal of Culture-Communication Studies*, 19(42), 97-117. 20.1001.1.20088760.1397.19.42.5.7
 - Aziminezhad, M., Khaje Ahmad Attari, A., Najarpour Jabbari,

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

نقيه، سمانه و امانی، حجت. (۱۴۰۴). بررسی وجوه شکل‌گیری مرقع هفت اورنگ ابراهیم میرزا صفوی با رویکرد تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف. باغ نظر، ۲۲ (۱۴۲)، ۸۳-۹۲.

DOI: 10.22034/BAGH.2025.493725.5721
URL: https://www.bagh-sj.com/article_215739.html

